
STOP

چالش‌های صادرات ایران
در سایه سیاست‌های نادرست

# از رونق تا رکود



**محمد حسین جهانگیری**
عضو هیئت مدیره انجمن پسته ایران



تجارت همواره در طول تاریخ و در تمام تمدن‌ها یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی بوده است. ایران نیز به دلیل موقعیت استراتژیک، دسترسی به آب‌های آزاد، راه‌های بین‌المللی، تنوع آب‌وهوایی و تولیدات متنوع، همواره در این زمینه زبانزد بوده است. اما متأسفانه در حال حاضر، این جایگاه به دلیل سیاست‌ها و قوانین نادرست در حال تضعیف است. سال‌ها تلاش و زحمت تجار برای دستیابی به بازارهای هدف و صرف زمان و هزینه‌های کلان، با وضع قوانین خلع الساعه و یک شبه که از سوی دولت وضع می شود به هدر می‌رود. قوانینی که بدون در نظر گرفتن نیازها و چالش‌های تجار وضع می‌شوند، باعث از بین رفتن تلاش‌های آن‌ها شده و در پاسخ به اعتراضات، تنها گفته می‌شود: "همین که هست، باید پیروی کنید".

در مسیر فعالیت تجاری، موانع و بخشنامه‌های متعددی وجود دارد که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنم:

## پیمان‌سپاری ارزی:
## سیاستی ضدتولید و صادرات

از سال ۱۳۹۷، بحث‌های زیادی درباره قانون پیمان‌سپاری ارزی مطرح شده است. این قانون، که یکی از بی‌اساس‌ترین قوانین در تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود، عملاً به جای تسهیل فرآیند صادرات، بر مشکلات صادرکنندگان افزوده است. صادرکنندگان مجبورند کالاها را با نرخ ارز آزاد خریداری کنند، اما ارز حاصل از صادرات را باید با نرخ دستوری به بانک مرکزی تحویل دهند!! این نرخ دستوری، که بسیار پایین‌تر از نرخ واقعی بازار است، عملاً به نابودی تولید و صادرات منجر شده است. جالب اینجاست که در تمام دنیا، صادرکنندگان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و دولت‌ها از آن‌ها حمایت می‌کنند، اما در ایران این موضوع برعکس است و صادرکنندگان با موانع متعددی روبرو هستند.

## قوانین ناگهانی:
## از دست رفتن بازارهای اروپایی

صادرکنندگان ایرانی با وجود مشکلات فراوان، موفق شده‌اند بازارهای اروپایی را به دست آورند. این بازارها به دلیل استانداردهای سختگیرانه و رقابت شدید، به‌دشواری قابل دستیابی هستند. اما در نیمه سال، زمانی که قراردادها منعقد شده‌اند، قوانین جدیدی از سوی جهاد کشاورزی (معاونت باغبانی) اعمال می‌شود که مشتریان اروپایی آن را نمی‌پذیرند. این موضوع باعث از دست رفتن بازارهایی می‌شود که با زحمت فراوان به دست آمده‌اند. در نتیجه، کشورهایی مانند ترکیه و امارات به عنوان واسطه وارد عمل می‌شوند و مشکلات صادرکنندگان ایرانی را بیشتر می‌کنند. این در حالی است که مسئولین بر اجرای قوانین نادرست خود پافشاری می‌کنند و هیچ توجهی به عواقب آن ندارند.

## سقف‌گذاری برای صادرات:
## تضعیف انگیزه تجار

صادرکنندگانی که قراردادهای بلندمدت با مشتریان خود منعقد می‌کنند، با محدودیت‌هایی مانند سقف صادرات مواجه می‌شوند. این سقف‌ها که توسط سازمان توسعه تجارت اعمال می‌شود، عملاً به معنای تمسخر صادرات است. در حالی که محصولات تولیدی باید در زمان مشخصی به دست مشتری برسند، صادرکنندگان مجبورند زمان و انرژی خود را صرف حل مشکلات ناشی از این سیاست‌های نادرست کنند. این محدودیت‌ها نه تنها باعث کاهش انگیزه صادرکنندگان می‌شود، بلکه اعتماد مشتریان بین‌المللی را نیز از بین می‌برد.

## شرکت‌های غیرمتخصص:
## ضربه به تولید و صادرات

چرا در کشور ما شرکت هایی به صنعت صادرات پسته ورود می کنند که هیچ علم و تخصصی در زمینه صادرات خشکبار ندارند؟ به عنوان مثال چرا باید شرکت های خودروساز و مخابراتی (موبایلی ها) به بازار پسته ورود کنند و بدون توجه به کیفیت و قیمت، محصولات را در بازارهای هدف به فروش برسانند؟! این موضوع باعث می‌شود صادرکنندگان اصلی که سال‌ها زحمت کشیده‌اند نیز مجبور شوند محصولات خود را با قیمت‌های نازل به فروش برسانند و به این ترتیب، ضربه بزرگی به تولید و صادرات کشور وارد می‌شود. این شرکت‌ها تنها به دلیل لابی‌های قوی وارد این عرصه شده‌اند و هیچ نقشی در توسعه صادرات ندارند.

## مشکلات ساختاری:
## از قیمت‌گذاری نامناسب تا ناهماهنگی

علاوه بر موارد فوق، مشکلات ساختاری متعددی نیز وجود دارد که صادرات ایران را با چالش‌های جدی مواجه کرده است؛ نمی‌توان در چند سطر محدود به شرح آن‌ها پرداخت، لذا تنها به‌صورت تیتروار به بخشی از آنها اشاره می‌کنم تا شاید مسئولین دلسوز ما این مشکلات را بشنوند و کاری انجام دهند: قیمت نامناسب پایه ارزش‌گذاری گمرکی، عدم پرداخت تسهیلات به صادرات در قالب سرمایه در گردش، تعدد سامانه‌های دولتی، عدم تعامل بین سازمان های دولتی، عدم ارتباط خوب و سازنده نهادهای دولتی و مشکلات مرزهای خاکی و ....

## نتیجه‌گیری:
## آینده‌ای نامعلوم برای صادرات ایران

ایران در حال از دست دادن بازارهای هدف صادراتی خود است. اگر مسئولین به‌طور جدی برای رفع این مشکلات اقدام نکنند، در آینده‌ای نزدیک چیزی از این بازارها باقی نخواهد ماند. صادرکنندگان، که ستون‌های اصلی اقتصاد کشور هستند، به جای حمایت، با موانع متعدد روبرو می‌شوند. امید است که مسئولین با درک اهمیت این موضوع، گام‌های مؤثری برای بهبود شرایط بردارند و از تلاش‌های تجار و تولیدکنندگان حمایت کنند. در غیر این صورت، آینده صادرات ایران بسیار تاریک خواهد بود.